

نقش زنان در مؤلفه سبک زندگی بیانیه گام دوم انقلاب از منظر فقه امامیه

لیلا بهلوان^۱

چکیده

رهبر معظم انقلاب اسلامی، امام خامنه‌ای، در تولد چهل سالگی انقلاب شکوهمند اسلامی، نقشه راه ساخت تمدن نوین اسلامی را تحت عنوان بیانیه گام دوم انقلاب در هفت مؤلفه بیان فرمودند که سبک زندگی اسلامی، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن به شمار می‌رود. با توجه به اینکه زنان با نقش تربیت‌محور خود، سازنده اولیه این سبک خواهند بود، شناخت چهارچوب سبک زندگی آنان بر اساس فقه پویای شیعی، به عنوان مبنای قانون اساسی، از اهمیت بسزایی برخوردار است. از این رو نوشته حاضر با استفاده از منابع مرتبط، به روش توصیفی-تحلیلی در پی یافتن این چهارچوب است. در ایدئولوژی فقهی، زنان نیز چه در حوزه فردی و چه در حوزه خانواده و اجتماع باید همواره خداوند را ناظر اعمال خود ببینند و در بینش و منش خود تقوا را لحاظ کنند. همچنین با انجام وظایف خود از یک سو در خانواده، محیطی توأم با آرامش ایجاد نمایند، زمینه کمال خود و سایر اعضا را فراهم کنند و از سوی دیگر با حضور فعال و عفیف‌گونه خود، دامنه این عفت را به اجتماع بکشانند و محیطی سالم برای بروز استعدادها و توانایی‌های خود و دیگران بسازند.

واژگان کلیدی: سبک زندگی اسلامی، تمدن اسلامی، الگوی رفتار زنان، بیانیه گام

دوم انقلاب، زن مسلمان، علوم انسانی

۱. کارشناسی ارشد دانشگاه معارف رشته مبانی نظری، پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات اسلامی و طلبه سطح

سه رشته فقه و اصول جامعة الزهراء (ع)، قم، ایران؛ golarromaysa@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۲۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲

مقدمه

در عصر حاضر، اولین بار یکی از روان‌شناسان به نام آلفرد آدلر از اتریش، اصطلاح Life style یا سبک زندگی را به کار برد که مجموعه‌ای از طرز تفکرها، برداشت‌ها، هنجارها و ارزش‌ها، رفتارها و سلیق و نگرش‌ها و جهت‌گیری‌ها در زندگی فردی و اجتماعی و خانوادگی را شامل می‌شود (زرهانی، ۱۳۹۳). در این راستا سبک زندگی در فقه اسلامی نیز در مسیر تمدن‌سازی خود، به بیان الگوهای منطبق بر شرع مقدس می‌پردازد و با تبیین عملکردهای مجاز و متناسب با کمالات انسانی، زمینه را برای هماهنگی سبک زندگی بشر با اراده تشریعی حق تعالی فراهم می‌کند تا سبک زندگی مطلوب را نهادینه سازد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ص ۵۳).

انقلاب اسلامی که بر پایه فقه پویای شیعی شکل گرفت، زنان را به عنوان هسته مرکزی تعالی خانواده معرفی کرده است تا جایی که در نظر معمار کبیر انقلاب، زن‌ها به تبع قرآن کریم، در مسیر انسان‌سازی قرار دارند؛ به نحوی که اگر زن‌های انسان‌ساز از اجتماع گرفته شوند، آن جامعه به انحطاط کشیده خواهد شد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۳۰۰). باتوجه به نقش تربیت‌محور زنان می‌توان گفت باورهای این قشر، بر تمام جمعیت کشور تأثیری محسوس و قابل اتکا دارد.

از این رو انقلاب اسلامی ایران، زمینه را به گونه‌ای فراهم کرده است که بانوان توانستند جایگاه اصلی خود را هم در نهاد خانواده و هم در نظام اجتماع بازیابند و در چنین نقطه عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» نقشه راه مسیر دستیابی به تمدن نوین اسلامی را ترسیم نمودند و سبک زندگی را از مؤلفه‌های اصلی آن برشمردند. لذا در راستای ساخت تمدن نوین اسلامی مد نظر در بیانیه گام دوم انقلاب، عمق بخشی به باورهای صحیح اسلامی و تعریف کاربردی باورها به زنان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به گونه‌ای که گاهی یک باور در این قشر می‌تواند مسیر تاریخ یک کشور را تغییر دهد.

باتوجه به اینکه سبک زندگی از مسائل نوظهور در علم جامعه‌شناسی است، نقش زن در این مؤلفه نیز از موضوعات جدیدالورود به شمار می‌رود و براین اساس، آثار تألیفی در این موضوع نیز به تعداد قابل ملاحظه‌ای نیست. در این راستا، نوشتاری که بیشترین ارتباط را با موضوع مورد بحث دارد، مقاله «آسیب‌شناسی نقش و جایگاه زنان و سبک زندگی زمینه‌ساز» نوشته آقای غلامحسین توکلی و ربابه آبداری است که به نقش زنان در دو حوزه خانواده و اجتماع، از بعد ارتباطی که با ظهور و مهدویت دارند پرداخته شده است. مقالات دیگری نیز در این زمینه تألیف شده‌اند؛ از جمله: «نقش و جایگاه اجتماعی زنان و سبک زندگی زمینه‌ساز» اثر یدالله خرم‌آبادی و زهره پوروهایی که سبک زندگی زنان در اجتماع را مورد بررسی قرار داده است. «ویژگی‌ها و مصادیق سبک زندگی زنان در قرآن کریم» نوشته مجید عنان‌پور خیرآبادی که در آن، مؤلفه‌های برجسته از زندگی زنان مطرح شده در قرآن کریم را مورد مطالعه قرار داده است. «بررسی سبک زندگی زمینه‌ساز ظهور با تاکید بر نهاد خانواده» تألیف صغری جلیلی جشن‌آبادی که ضمن بررسی نقش زن و مرد در خانواده، نقش زنان را در سازندگی جامعه و یا ارتباط آن با آزادی بیان کرده است. در این راستا تألیفات دیگری نیز وجود دارند که در آنها تنها به بیان مسیر کلی سبک زندگی اسلامی بسنده شده است و نقش خاص زنان، یا مورد توجه نیست یا به صورت گذرا بیان شده است؛ از جمله مقالات و کتبی که با عنوان سبک زندگی اسلامی نگارش یافته‌اند. از این رو مقاله پیش رو سعی دارد در مسیر بیان آنچه که علم فقه با استفاده از متون دینی، از بینش و منش صحیح و به بیانی جامع سبک زندگی زنان، کشف کرده است، قدمی هرچند ناچیز بردارد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. سبک زندگی

برای بررسی لغوی سبک زندگی لازم است ابتدا این دو واژه به صورت جداگانه مورد مطالعه قرار گیرد. سبک در لغت به معنای طور و عمل، طرز و روش، رسم و قاعده

است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۶۴۳). زندگی نیز به معنای زیستن و حیات است و به صورت مجاز، بر رفتار نیز اطلاق می شود (همان، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۱۱۴۲۲). بنابراین، قرار گرفتن این دو کلمه در کنار یکدیگر، معنای روش و قاعده خاصی را به ذهن متبادر می کند که انسان در طول حیات خود برمی گزیند.

در اصطلاح نیز دانشمندان، معانی متفاوتی برای سبک زندگی ارائه داده و رویکردهای مختلفی در این زمینه داشته اند. به طور کلی می توان بر ایند تمامی این تعاریف را که مناسبت بیشتری با تعریف لغوی این ترکیب دارد، چنین بیان کرد: سبک زندگی، مجموعه ای کامل و منسجم از عملکردهای روزمره یک فرد است که تنها نیازهای روزانه او را مد نظر ندارد؛ بلکه روایتگر هویتی است که شخص برای خود انتخاب می کند (اعرافی، بی تا، ص ۲۸۴).

۲- ۱. سبک زندگی اسلامی

وقتی به ترکیب سبک زندگی، پسوند اسلامی نیز اضافه می شود به این معناست که معیار سنجش رفتار انسان، دین است و ملاک ارزش گذاری هویت انسان ها بر اساس رفتار و منشی که انتخاب کرده اند، ارزش های اسلامی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۷). در سبک زندگی اسلامی، دین، سرپرستی سعادت بشر در تمامی شئون زندگی او را بر عهده دارد و در مقام بیان هدایت الهی که در قالب ارسال پیامبران صورت می گیرد، تحولی بنیادین در تفکر و رفتار یا همان بینش و منش انسان ایجاد می کند (فاضل قانع، ۱۳۹۲، ص ۳۳).

۳- ۱. بیانیه گام دوم انقلاب

بیانیه گام دوم انقلاب، بیانیه ای است که از سوی رهبر جمهوری اسلامی ایران، امام خامنه ای، به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر شده است و در آن با بیان دستاوردهای چهار سال گذشته، راه پیموده شده روشن می شود. همچنین با تبیین دقیق ظرفیت های موجود، لزوم برداشتن گام دوم

انقلاب در مؤلفه‌های علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن و سبک زندگی، بیان می‌شود که به عنوان نقشه راه ایجاد تمدن نوین اسلامی به شمار می‌رود (حیدری و حیدری، ۱۳۹۹، ص ۱۹۳).

درحقیقت این بیانیه، ترسیمی کلی از گذشته، حال و آینده انقلاب اسلامی ایران است که بدون پرداختن به جزئیات، اصول کلی را در چهار نقطه اصلی بیان کرده است: - نقطه اول، عظمت انقلاب که هم از لحاظ وقوع و هم از لحاظ ماندگاری، مورد توجه این بیانیه بوده است.

- نقطه دوم، عظمت کارکرد انقلاب و تأثیررو به پیشرفت در سطح داخلی و بین‌المللی است.

- نقطه سوم، عظمت چشم‌اندازی است که انقلاب اسلامی باید به آن دست یابد.

- نقطه چهارم، عظمت نقش نیروی جوان متعهد در اجرای این اصول کلی است (بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۴۵۴).

۲. ابعاد فقهی سبک زندگی

باتوجه به اینکه در نظر اکثر فقیهان، فقه به معنای علم به احکام شرعی با استفاده از ادله تفصیلی آنها است (شهابی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۶)، در نگاه بدوی به این تعریف چنین به نظر می‌رسد که احکام فقهی، تنها حوزه عملی و رفتاری مکلفین را دربرمی‌گیرد؛ درحالی‌که فقه اسلامی در زمینه اندیشه و بینش بشر نیز وارد می‌شود تا جایی که اعتقاد داشتن به مسائلی همچون توحید، نبوت، معاد و امامت را واجب می‌داند (انصاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۶۸). به عبارت دیگر، بر اساس حکم روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام، مسائلی در دین وجود دارد که اعتقاد به آنها لازم و واجب شمرده شده است. امام باقر علیه‌السلام در تعریف دین می‌فرماید: «دینی و دین ابائی الذی ندین الله تعالی به، شهادة ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله والاقرار بما جاء به من عند الله، والولاية لولیتنا، والبراءة من عدوتنا، والتسليم لأمرنا، وانتظار قائمنا، والاجتهاد والورع»

که بدون اعتقاد به این موارد، دین حق تمام نمی‌شود (نراقی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۴۲).
ازطرفی گرچه عالی‌ترین هدف دین، اعتقاد به مسائل گفته شده است و در بین سه نظام اعتقاد و اخلاق و تشریح که تشکیل دهنده دین هستند، مسائل اعتقادی نقش محوری و کلیدی را ایفا می‌کنند، اما شکی نیست که استحکام نظام اعتقادی، در گرو التزام به دو نظام دیگر است و فقه، عهده‌دار بیان نظام تشریح است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ص ۵۳). با چنین تبیینی، علم فقه از یک طرف چهارچوب وظیفه مکلف در حوزه اعتقاد و بینش را تعیین خواهد کرد و ازطرفی دیگر چون بینش و عقیده هر انسانی، سیطره کامل بر رفتار او دارد و تعیین‌کننده منش اوست، بر نحوه رفتار فرد تأثیر مستقیم خواهد داشت. ازاین‌رو ابعاد سبک زندگی از منظر فقهی، در دو حوزه بینش و منش قابل بررسی خواهد بود.

۱-۲. بینش

بینش در لغت به معنای قدرت ادراک و دریافت (دهخدا، ۱۳۸۵-۱۳۹۰، ج ۱، ص ۵۲۲) و در اصطلاح به معنای باوری است که در قلب نفوذ می‌کند (ابن‌عباد، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۱۳۵). گرچه در نظر همه اندیشمندان، علم و دانش از اهمیت والایی برخوردار است و اهمیت علم را به ذات علم می‌دانند نه به متصف بودن آن به دین (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۱۰)، اما در نظر فقها، بینش درجه‌ای بالاتر از دانش و علم دارد و وقتی که با علم و دانش و تزکیه نفس، بینش و عقیده‌ای برای انسان حاصل شود، نمی‌توان گفت به بینش صحیح دست یافته است؛ بلکه این درک در صورتی که در قالب استدلال یقینی باشد، بینشی صحیح خواهد بود (بهبهانی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۲۸۰) و از آنجاکه کشف این چهارچوب برای عموم مردم امکان‌پذیر نیست، علم فقه، تعیین محدوده درست این حقایق را که همان هماهنگی با شریعت اسلامی است بر عهده دارد.

تفاوت رفتار انسان باورمند به شریعت اسلامی، با انسان مادی‌گرا بر کسی پوشیده نیست. اینکه فردی رفتارهای خود را بر پایه هدف کمال و تقرب الهی بنا نهد تا اینکه

نهایت هدف او رسیدن به لذت و بهره‌مندی بیشتر از امکانات دنیوی باشد، در نحوه عملکرد او به اندازه‌ای تأثیر دارد که گاه فعلی واحد در نظر یکی از این دو مینا، ارزش و همان فعل در نظر دیگری، کاری بیهوده تلقی می‌شود.

از نظر شریعت اسلام، آنچه در آسمان و زمین است از آن خداوند است و مالک حقیقی اوست. آیه ۲۸۴ سوره بقره می‌فرماید: ﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾. سعادت و شقاوت نیز در گرو اعتقاد به این مالکیت و باور به این است که همه موجودات، قائم به ذات او هستند. انسان باورمند به چنین حقیقتی، در تمامی اعمال و رفتار خود، هدف را فراموش نمی‌کند و به‌گونه‌ای عمل می‌نماید که تامین‌کننده سعادت او باشد. بینش چنین انسانی او را وامی‌دارد تا سعادت را در سعادت روح و جسم باهم ببیند و در حالت توازن بین خواسته‌های جسم و سعادت روحانی، جانب روح را مقدم کند. برخلاف وی، انسانی با بینش مادی که این مادی‌گرایی او افعالش را نیز پوشش می‌دهد، تا جایی پیش می‌رود که گویی خلقت انسان، هدفی جز بهره‌مندی بیشتر از دنیا را دنبال نمی‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۲۳-۲۴). به تعبیر قرآن کریم، چنین انسانی مصداق بارز آیه ﴿فَذَرَهُمْ خَوْضًا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ﴾ (معارف: ۴۲) خواهد بود که منقطع از خداوند است و در جهت رسیدن به منافع مادی، کمترین اعتنایی به سعادت روح ندارد و تمام تلاش خود را در کسب جاه و مقام و مال و مکنث سپری می‌کند (همان، ص ۲۳-۲۴). از این رو در علم فقه، از دو بعد، به بینش افراد توجه می‌شود: اول اینکه طرز تفکر هر فردی، منشأ رفتار اوست و دوم اینکه تفکر به خودی خود و منهای رفتار، نیت است که دارای ارزش و یا ضد ارزش معرفی می‌شود. بنابراین در نظر علم فقه، انسان منهای بینشی که منطبق بر شریعت الهی باشد، رفتاری خلاف جهت خلقت آدمی دارد و از تقرب به خداوند بازمی‌ماند؛ اما انسان باورمند به مالکیت حقیقی خداوند متعال، انسانی کمال‌گرا است و بر اساس قوت و ضعف بینش خود، رفتاری قریب یا بعید از سعادت و کمال را برمی‌گزیند.

۲-۲. منش

منش در اصطلاح یعنی مجموعه واکنش‌های رفتاری و گفتاری مثبت یا منفی که انسان از روی اختیار و آگاهی در برابر کنش‌های بیرونی و درونی از خود بروز می‌دهد (وطن دوست حقیقی مرند، ۲۰۱۸، ص ۸). از طرفی علم فقه در معنای گسترده و عام خود، یعنی علم به همه احکام و آنچه مکلف در دو حوزه مادی و معنوی انجام می‌دهد یا ترک می‌کند (جمعی از مؤلفان، بی تا، ج ۳۷، ص ۱۲۸). همان گونه که از این دو تعریف نیز پیداست، فقیه در پی این هدف است که در حوزه عمل و منش مکلفین، عینیت بخش اعمال آنها با مصالح و مفاسد حقیقی که در نظر خداوند است باشد تا از این رهگذر، مکلفین را به هدف خلقت یا همان تقرب به خداوند نزدیک سازد. از این رو فقه، در میان همه علوم، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا هم رابطه این علم با تمامی اعمال انسان از هر علم دیگری بیشتر است (همان، ج ۱۵، ص ۱۶۲) و هم اینکه با نظم بخشیدن به امور زندگی دنیایی و اخروی آدمی و کشف احکام در مقام تشریح، از اوامر و نواهی شارع پرده برمی‌دارد و انسان را با نزدیک کردن به این عامل نجات، به سمت سعادت ابدی راهنمایی می‌کند (حلی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۴۰).

فقه شیعی با زیرساخت‌های قوی و محکم خود و با استفاده از روش‌ها و منابع استنباطی که حاصل تلاش هزاران فقیه است، پاسخ‌گویی تمامی نیازهای انسان امروز نیز خواهد بود. این پاسخ‌گویی تا جایی است که بین علم فقه و رفتار مکلف، رابطه‌ای دو سویه برقرار می‌کند و از آنجا که موضوع احکام شریعت، افعال مکلفین است، اگر فعلی در نظر مردم در برهه‌ای از زمان ترک شود و به عبارتی مبتلا به مردم زمانی خاص نباشد، ابواب فقهی هم در آن مورد، حجم کمتری می‌یابند و اگر مسئله‌ای نو، مورد فعل مکلفین قرار بگیرد، فقیه با توجه به روش‌های منابع استنباط، حکم شارع را در آن مورد کشف خواهد کرد. به عبارتی، تمام اعمال و کردار مکلفین، موضوع قرار می‌گیرد و حکم آن، محمول است و در فقه با جزئیات کامل بیان می‌شود (محقق داماد بزدی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲).

از این رو گفته می‌شود علم فقه در تمامی ادوار زندگی بشر، کاشف از مصالح و مفاسد افعال و پاسخ‌گوی وجدان‌های بیدار بشر در مسیر سعادت کامل است.

۳. بررسی نقش زنان در ابعاد فقهی سبک زندگی

ارزشی که نظام اسلام برای جنس زن تعریف کرده است، در بین تمامی ادیان و فرهنگ‌های بشری، مسبوق به سابقه نیست. در دین اسلام، زن و مرد ترکیبی از جنس مذکر و مؤنث است و از حیث ماده تشکیل‌دهنده بدن، هیچ‌کدام بر دیگری برتری ندارند. برخلاف آنچه که در برخی از ادوار گذشته مرسوم بوده است و زن را موجودی پست می‌شمردند و گاه در برخی ادوار تاریخ، جنس زن چنان مورد استعمار بود که همسان حیوانات قرار داشت و در شرایط سخت اقتصادی، از گوشت او استفاده می‌کردند (سلیمان، ۱۳۷۹). بر اساس آنچه در برخی ادیان مرسوم بوده است، زن موجودی پست به شمار می‌رفت؛ چنان‌که در کتاب‌های تحریف‌شده یهود، زن نقص ذاتی دارد و هیچ‌گاه عامل نیکبختی نبوده است؛ بلکه همانند مرگ، برای آدمی تلخ و ناگوار است (توکلی، ۱۳۹۷). این در حالی است که در متون اسلامی که منبع علم فقه است، از نظر شئون اجتماعی و دخالت اراده و عمل، تفاوتی میان زن و مرد نیست و کسی که باتقواتر است در نزد خداوند گرامی‌تر است (حجرات: ۱۳). همچنین طبق آیات قرآن کریم، مرد و زن در برابر آنچه که در اسلام حق شمرده می‌شود برابر هستند (یونس: ۸۲). اما در نظام اسلام، بر اساس دو ویژگی‌ای که خداوند در وجود زن به ودیعه نهاده، نقش او در نظام خانواده، بر جنس مرد برتری یافته است. یکی از این ویژگی‌ها، وابسته بودن ادامه نسل آدمی بر وجود زن است و دیگری، رقت و لطافت وجود زن است که هم تربیت را آسان‌تر می‌کند و هم برای مرد جاذبه ایجاد می‌نماید تا دشواری‌های تشکیل خانواده را به جان بخرد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۰۶).

از این رو نقش زن در بینش و منش سازنده سبک زندگی نه تنها از حوزه فردی فراتر رفته است و حوزه خانوادگی و اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد؛ بلکه نقش زنان در این

مؤلفه، بیشتر از نقش مردان خواهد بود. براین اساس، نقش زنان در سه حوزه فردی، خانوادگی و اجتماعی، قابل بررسی است.

۱- ۳. نقش زن در رابطه با خود

بر اساس متون اسلامی، انسان موجودی است که بنا بر اختیار خود می تواند جهان و فرشتگان را مسخر خود کند. ظرفیت عقل و خرد آدمی و سرشت و فطرت او به گونه ای است که با انتخاب راه درست می تواند از عنصر ملکوتی و الهی خود بهره گیرد و کرامت ذاتی خود بر دیگر موجودات را به منصفه ظهور برساند (مطهری، بی تا، ج ۲، ص ۲۶۷). از یک سو در انسان سلسله میل ها و جاذبه های معنوی وجود دارد که او می تواند محدوده فعالیت خود را فراتر از مادیات ببرد و به سمت و سوی معنویات سوق دهد و از سوی دیگر، انسان به نیروی عقل و اراده مجهز است و می تواند در برابر امیال نفسانی خود، مقاومت و ایستادگی نماید، تحت فرمان عقل برای آنها محدوده ای معین کند و از این رو حاکم بر امیال خود باشد و به این وسیله، به آزادی معنوی دست یابد (همان، ص ۲۸۱)؛ آزادی ای که تمامی مکلفان، از جمله زنان، در حوزه فردی و در رابطه با بینش و منش خاص خود، ملزم به دستیابی به آن هستند. مکلفان باید در راستای نیل به رضایت الهی، با کمک فرمان عقل خویش، به حکم الهی، که علم فقه کاشف از آن است، عمل کنند و بر خواسته های غیر الهی خود فائق آیند، راه سعادت را طی کنند و از این طریق، کرامت مد نظر قرآن کریم را کسب نمایند. خداوند در آیه ۷۱ سوره اسراء می فرماید: ﴿يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاثٍ بِاُمَامِهِنَّ فَمَنْ اُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَاُولَئِكَ يَقْرءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾. این آیه در زمینه مورد عنایت قرار گرفتن انسان ها از کرامت ذاتی، تفاوتی بین آنها قائل نمی شود و اگرچه این کرامت باعث به وجود آمدن حقوق و تکالیف خاصی برای انسان ها در قبال یکدیگر می شود، ولی بنا بر دلایل علمی و اخلاقی ویژه و نیز از دیدگاه ادیان الهی، این کرامت به تنهایی دلیل ارزش و شرافت انسان نیست؛ بلکه تلاش و کوشش مستمر در راستای تصفیة درون و انجام تمام تکالیف متوجه انسان نیز ضرورت دارد (جعفری تبریزی، ۱۴۱۹، ص ۱۶۱). این

شرافت و ارزش اکتسابی، تقوا نام دارد که نزد خداوند، ملاک برتری انسان‌ها از یکدیگر است: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (حجرات: ۱۳).

در نظر فقها، تقوا صفتی است که در نظر شارع مقدس ممدوح است و انسان را از نافرمانی خداوند متعال بازمی‌دارد و بهترین توشه آخرت شمرده می‌شود (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۵۴۸). در راه کسب تقوا، زنان و مردان به ویژگی‌ها و استعداد‌های یکسانی مجهز شده‌اند و در این راه، زنان نیز می‌توانند به‌گونه‌ای عمل کنند که به درجات بالای ایمان دست یابند.

بدیهی است آنچه دو حوزه بینش و منش زنان را تشکیل می‌دهد، در دایره تقوا وارد خواهد شد و مهم‌ترین نقش زنان در رابطه با خود، رعایت تقوا در آن حوزه‌هاست. اما خصوصیات انحصاری که به مقتضای نقش ویژه زن مسلمان به او داده شده است، تقوای ویژه‌ای نیز می‌طلبد که مصادیق مختلفی همچون تقوا در پوشش، حیا و عفاف، تقوا در سخن و لحن آن، تقوا در حفظ جسم و روان و... دارد. در این میان می‌توان تقوا در پوشش، حیا و عفاف را از مهم‌ترین مصادیق آن برشمرد؛ چراکه آثار فراوانی را به دنبال دارد. طبق فرموده خداوند در قرآن کریم، رعایت تقوا در پوشش و رفتار بر زنان واجب است، آنجا که می‌فرماید: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾ (نور: ۳۱) که حاکی از وجوب حجاب و عفاف بر زنان است (مغنیه، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۸۷). زنی که در پوشش خود، تقوا را رعایت کند، ارزش والای انسانی خود را خواهد یافت و با حفظ جایگاه الهی خود، از گسترش فساد و فحشا نیز جلوگیری می‌کند و بنیان خانواده را استحکام می‌بخشد (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۲۷، ص ۲۱۶).

از طرفی زن، آفریننده عشق است و عشق، آفریننده مرد و مرد، آفریننده تاریخ. از این رو زن در ساخت تاریخ، نقش بسزایی دارد. زن در ایفای رسالت خود در سازندگی تاریخ (تمدن‌سازی)، مدیون اخلاق ویژه خود، یعنی حیا و عفاف است. هر جازن حیا را کنار نهاده و خود را به ابتدال کشانده، این نقش را هم از دست داده است (مطهری، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۳۷۱).

بنابراین، جایگاه زن به گونه‌ای است که در مسیر زندگی اسلامی خویش، رعایت تقوایش نمود بیشتری در جامعه خواهد داشت و از این رو از اهمیت ویژه‌ای نیز برخوردار است. زنان جامعه به دلیل نقش تربیت‌محوری که دارند، در ایفای نقش فردی خود، با بعدی فراتر از فرد مواجه می‌شوند و بینش و منش فردی آنان، خواه ناخواه به حوزه تربیت کشیده خواهد شد. از این رو رعایت پرهیزکاری در تمام زمینه‌های بینشی و منشی زنان، مورد توجه ویژه متون دینی و به تبع آن، علم فقه نیز خواهد بود که مسیر سبک زندگی مرضی خداوند را با استفاده از این متون روشن کرده است.

اینکه زنان به عقیده‌ای پایبندی کامل داشته باشند که حتی در ظاهر، مخالف حس آزادی آنان به نظر برسد و یا شخصیتی الهی به عنوان الگویی والا را بپذیرند و آن را به نسل‌های آینده معرفی کنند و مسائلی از این دست که در تعیین مسیر زندگی در خانواده، نمود کامل و بارزی خواهد داشت، وابسته به شناخت سبکی از زندگی است که خداوند متعال برای او برگزیده و علم فقه کاشف آن است. سبکی که بنابر فرموده رسول اکرم ﷺ بر نوزاد درون بطن مادر نیز تأثیر مستقیم دارد؛ چراکه «الشَّقِيْ مَنْ شَقِيْ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالسَّعِيْدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ» (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۳۵۶). بر این اساس، هسته اولیه‌ای که شقاوت و سعادت نسل آینده را تأمین می‌کند، حاصل رعایت تقوا در بینش خواهد بود و با بروز آن در منش، نمود تقوا در رفتار را هم رقم خواهد زد.

۲ - ۳. نقش زن در رابطه با خانواده

در نظام اسلام، تشکیل خانواده از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و سبب آبادی خانه معرفی شده است؛ به گونه‌ای که امام صادق علیه السلام از قول جد بزرگوارشان، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کنند که فرمودند: «وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يُعْمَرُ فِي الْإِسْلَامِ بِالتَّكْوَانِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۲۸). از طرفی در متون روایی، زنان به عنوان خیر کثیر معرفی شده‌اند. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۸۵ و حلی، ۱۳۸۸، ص ۵۶۸). زنان از چندین جهت، خیر زیاد معرفی می‌شوند که

ازدیاد نسل و برقراری آرامش و سکون و همچنین تنظیم امور خانواده از آن جمله است (میرزای قمی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۲). ازاین رو نقش زن مسلمان در خانواده به عنوان همسر و مادر، متفاوت از نقش مرد به عنوان همسر و پدر خواهد بود.

۱- ۲- ۳. نقش زن به عنوان همسر

اساس و ریشه تشکیل اجتماع، خانواده است و قوام خانواده نیز به وجود زن خواهد بود. وقتی جامعه را خیر بدانیم، آن کس که اساس و ریشه خانواده است نیز مظهر بیشترین خیر خواهد بود (همان) و شکی نیست که مظهر خیر کثیر بودن، وظایفی را نیز بر آنها ثابت می‌کند.

از آیه شریفه «وَلَلرَّجَالِ عَلَیْهِنَّ دَرَجَةٌ» (بقره: ۲۲۸) مشخص می‌شود که هرکدام از زن و مرد، نیروهای جسمی و روحی متفاوتی با یکدیگر دارند و وظایفی که بر عهده هرکدام نهاده شده است باید متناسب با این نیروها باشد تا عدالت مد نظر در آیه شریفه «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِی عَلَیْهِنَّ» (بقره: ۲۲۸) برقرار گردد؛ چه اینکه لازمه رسیدن هریک از آنها به حق خود این است که وظایفی متناسب با ساختمان روحی و بدنی شان بر عهده داشته باشند (داورپناه، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۶۰). ازاین رو در نظام خانواده، علاوه بر وظایف مشترک میان همسران، نقش‌هایی نیز به عهده زنان گذاشته شده است که نه تنها متفاوت از نقش مردان خواهد بود؛ بلکه گاهی اختصاص به زن داشته و از عهده مردان خارج است. از مهم‌ترین این نقش‌ها، تمکین خاص و آراستگی ظاهری، پذیرش قیمومت مرد و حمایت و پشتیبانی است.

الف) تمکین خاص و آراستگی ظاهری

بشر همواره دارای نیازها و امیالی است که از فطرت او سرچشمه می‌گیرد و اگر انسان این نیازها را به صورت هماهنگ پاسخ دهد، بر فطرت سالم خود که نقش اساسی در تربیت صحیح دینی دارد، باقی خواهد ماند (مطهری، بی تا، ج ۲۱، ص ۴۶۱). در این میان، نقشه راه هماهنگی میان میل کامجویی جنسی با سایر امیال، تشکیل خانواده است.

باتوجه به اینکه در نظام اسلامی مهم‌ترین حقی که مرد بر همسر خود دارد، حق تمتع جنسی است و خداوند با فرمان «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» (النساء: ۳۴) بر زنان واجب کرده است که در قلمرو قوامیت مرد، مطیع او باشند و به همین حکم، باید درخواست مرد برای همخوابی را اجابت کنند و خود را در اختیار او قرار دهند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۸۲). براین اساس، زن مسلمان نباید نسبت به این حق سرنوشت‌ساز بی تفاوت باشد. ساده‌انگاری یا ادای ناقص این حق، اثرات مخرب روانی و حقوقی بر جای می‌گذارد که ناهنجاری‌های اجتماعی و عدم برخورداری زن از حقوق کامل خود در خانواده، از آن جمله‌اند (ممیز، ۱۳۸۴، ص ۱۰۷).

در اسلام، یکی از اهداف اصلی از چنین حقی نیز تولیدمثل و تربیت فرزند است. از رسول اکرم ﷺ نقل است که فرمودند: «تَنَاقَضُوا تَنَاسَلُوا أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۱۵۳ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴، ص ۱۶۹) و اهداف دیگری که برای این موضوع در نظر گرفته می‌شود. بنابراین به جرئت می‌توان گفت بسیاری از حقوقی که شریعت اسلام برای زوج در نظر گرفته، در راستای پیشگیری از زایل شدن این حق است. از آن جمله، آراستگی ظاهری که در متون دینی بر حفظ آن از جانب زن تاکید فراوان شده است (ممیز، ۱۳۸۴، ص ۱۰۷) و زنی که برای شوهر خود آرایش کند و خود را از غیر شوهر بپوشاند، از بهترین زنان شمرده می‌شوند. حضرت رسول اکرم ﷺ فرمودند: «إِنَّ مِنْ خَيْرِ نِسَائِكُمُ الْمُتَبَرِّجَةَ مَعَ زَوْجِهَا الْحَصَانَ مَعَ غَيْرِهِ» (قمی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۸۹). همچنین احکامی چون وجوب اجازه از شوهر برای خروج از منزل در غیر واجبات (موسوی خمینی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۱۵۲) و یا لزوم اجازه برای گرفتن روزه مستحبی نیز از آن جمله‌اند (همان، ج ۱، ص ۹۶۵). در نظر دین اسلام، اهمیت ارضای امیال در چهارچوب تعیین شده از سوی شارع به حدی است که امام صادق علیه السلام، اختیار همسر را به عنوان تکمیل‌کننده نیمی از دین انسان معرفی کرده و فرموده‌اند: «مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ» (میرزای قمی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۳۸۳) و زنی که این حق شوهر خود را به درستی ادا کند، به عنوان بهترین زنان شمرده می‌شود (همان، ص ۱۶).

وقتی زن و مرد با نگاه اسلامی - انسانی که در بردارنده همه ابعاد دینی و انسانی آنهاست، وارد زندگی مشترک شوند، زندگی شان زمینه ای برای رشد معنوی خواهد بود که زمینه ساز رشد مادی است و به سعادت دنیوی و اخروی دست می یابند (فضل الله، ۱۳۸۳، ص ۱۵۲). از این روز زن مسلمان باید برای انجام این مسئولیت مهم با در نظر گرفتن تقوای بینشی خود، مسیر مشخص شده در فقه اسلامی را طی کند و با به کارگیری هنرمندانه ویژگی های خاص خود، این نیاز طبیعی و خدادادی همسر خویش را پاسخ دهد تا در جهت نیل به هدف اصلی از ازدواج، روابط در نظام خانواده نیز تحکیم یابد.

ب) قیمومت مرد

در نظر اسلام، توانایی ها و ویژگی های جسمی و روحی خاص هر کدام از زن و مرد، اگر تنها در زندگی دنیایی مورد استفاده قرار گیرند و وسیله کسب مقامات معنوی نباشند، کوچک ترین ارزشی نخواهند داشت و اگر به عنوان وسیله ای در جهت تقرب به خداوند باشند نیز به خودی خود فضیلتی بر دیگری ندارند و تنها وسیله ای برای حرکت در مسیر هدف خلقت خواهند بود. یکی از این توانایی های تکوینی که خداوند به جنس مردان بخشیده، روح تعقل در برابر احساسات و طبع لطیف زنانه است. اما این به معنای برتری و ملاک بالاتر بودن مرد بر زن نیست؛ بلکه معیار برتری واقعی، همان گونه که اشاره شد، تقواست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۴۳).

روح تعقل، همان ویژگی ممتازی است که مرد به آن مجهز شده است تا به بعضی ضروریات اجتماع، مانند رهبری، حکومت، قضاوت و جنگ پردازد؛ آن هم بدون اینکه کوچک ترین خدشه ای به ذات لطیف زن وارد شود (همان). در فقه شیعی، به سبب همین روح تعقل که مد نظر آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء: ۳۴) است، حقی برای شوهران و در قبال آن، وظیفه ای بر عهده زنان گذاشته شده است که زن در مقام یک همسر موظف است نسبت به شوهر خود ادا کند. این حق، قیمومت نام دارد. بنا بر این حق، زنان موظفند همواره در مسائلی که به تمتع شوهر خود مربوط می شود، اطاعت

محض داشته باشند و در نبود آنان هر چیزی را که حقشان محسوب می شود حفظ کنند تا به مقام «صالحات» و «قانتات» که در ادامه آیه مطرح شده است دست یابند. اما باید توجه داشت که قیوموت به دلیل هدفی والا، تنها در اموری که حق شوهر است، خلاصه می شود و باتوجه به ادامه آیه ۳۴ سوره نساء که می فرماید: «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» این حق، نوعی حق تکوینی است و نشان از کرامت ذاتی جنسی بر جنس دیگر نیست (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ج ۴۲، ص ۵۳). از این رو باید در نظر داشت که قیوموت، تنها در برابر شوهر معنا پیدا می کند نه وظیفه زن در قبال جنس مردان و همچنین این حق، در دایره اصول خانواده است. یعنی گاهی به صلاحدید زوجین، این حق و مدیریت، به دیگری واگذار می شود و ممکن است تدبیر و اداره خانه به عهده زن نهاده شود و این موضوع کاملاً منطبق بر احکام شرعی اسلامی است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۳۹۴).

بنابراین، زنان جامعه در راه نیل به کمالات معنوی و سعادت اخروی، باید نسبت به قیوموت مردان، بینشی صحیح داشته باشند و در منش خود آن را پیاده کنند. این تفکر که شاکله مرد با دارا بودن خصوصیت قوت، شدت و غلظت خود می تواند اموری از اجتماع را به سرانجام برساند که از عهده دیگری خارج است، و شاکله زن نیز با نیروی لطافت، ظرافت و زیبایی خود قادر به انجام مسائلی است که دیگری از انجام آن ناتوان است، می تواند محرک ایجاد منش و رفتاری قاعده مند باشد که در چهارچوب نظام اسلامی بگنجد. منشی که احقاق حق قیوموت مرد را با هدف جلب رضایت خداوند دنبال می کند و زن با این تفکر، در غیاب مرد با جان و دل و با رضایت قلبی، حافظ عفت و مالی است که به او سپرده شده است.

ج) حمایت و پشتیبانی

در ایدئولوژی اسلامی، زن و مرد مکمل یکدیگر هستند و حمایت و پشتیبانی هریک از زن و شوهر توسط دیگری، نقش بسیار مهم و سازنده ای در ایجاد تکامل طرفین در خانواده ایفا می کند. حمایت به معنای اعانت، تقویت و دستگیری (دهخدا، ۱۳۸۵ -

۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۰۴۵)، از وظایف مشترک همسران به شمار می‌رود، ولی بنابر نیازهای متفاوت هریک از آنها نسبت به دیگری، حوزه‌های متفاوتی را نیز دربرمی‌گیرد.

زن از قوه و استعداد فوق‌العاده‌ای برخوردار است که با آگاهی و تقویت آنها می‌تواند خانه را به محیطی بهشت‌گونه تبدیل کند. او می‌تواند با انجام وظایفی که خداوند بر عهده‌اش گذاشته است، همسر خود را به اوج ترقی برساند. انجام وظایف زنانه همسری، چنان پیچیده و درعین حال همراه با ترقی معنوی برای زن است که در احادیث، هم‌ردیف جهاد مردان ذکر شده است. امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «وَجِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۲۳ و طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۲۲).

دانشمندان غربی نیز در این زمینه معتقدند که زن قدرت عجیبی دارد و با تقوا و کدبانویی خود می‌تواند سردترین خانه‌ها را به محیطی گرم و روح‌بخش تبدیل کند (امینی، ۱۳۸۹، ص ۲۶)؛ قدرتی که بانوان با کمک آن می‌توانند مایه سکون و آرامش مرد شوند و با زیبایی و کرشمه و با رحمت و مودت خود، دل مردان را به خود جذب کنند و هسته اولیه اجتماع، یعنی خانواده را شکل دهند و در ادامه نیز محیطی امن و همراه با آرامش فراهم آورند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۲۱۶-۲۱۷).

نقش حمایت و پشتیبانی در خانواده، محدوده بسیار گسترده‌ای دارد. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، مؤلفه‌های این حمایت را چنین برمی‌شمرند: «لِلرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ أَنْ تَلْزَمَ بَيْتَهُ وَ تُوَدِّدَهُ وَ تُحِبَّهُ وَ تُشْفِقَهُ وَ تَحْتَنِبَ سَخَطَهُ وَ تَتَّبِعَ مَرْضَاتَهُ وَ تُؤْفِي بِعَهْدِهِ وَ وَعْدِهِ...» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۴۴). طبق این روایت، ملازم بودن زن و محبت دلسوزی برای همسر و وفاداری به پیمان و وعده او، از حقوق مرد بر همسر خویش شمرده شده است. همچنین امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در آغاز زندگی زناشویی خود، حضرت زهرا علیها السلام را به عنوان بهترین همسری معرفی کردند که با کمک او می‌توان خداوند را اطاعت نمود و در مورد ایشان فرمودند: «نعم العون علی طاعة الله» که جمله‌ای کوتاه، ولی بسیار پرمحتواست. در این جمله، هدف ازدواج را کمک گرفتن از همسر برای اطاعت از خدا بیان کرده و

همسرشان، زهرا علیها السلام، را به عنوان بهترین مصداق برای توفیق در این امر مهم دانسته‌اند (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله امینی، ۱۳۶۹). بر کسی پوشیده نیست که چنین مؤلفه‌هایی نیازمند کسب آگاهی لازم، ذوق و سلیقه، زیرکی و کسب مهارت است. زنی که حامی همسر خود است سعی می‌کند این حمایت را در تمامی ابعاد زندگی زناشویی پیاده کند. چنین زنی، شیوه صحیح رفتار را می‌آموزد، همسر خود را به کارهای نیک سوق می‌دهد و زمینه لازم آن را فراهم می‌کند، همواره توانایی همسر خویش را در برآورده کردن نیازهای او در نظر می‌گیرد، با تقویت حس رضایتمندی در همسر خود، باورهای غنی انسانی را در او تقویت می‌کند، از همسر خود انسانی قوی در نظر دیگران می‌سازد و... تا سرپرستی قوی برای خانواده و پدری مقتدر برای فرزندان خود داشته باشد (امینی، ۱۳۸۹، ص ۲۷).

۲-۲-۳. نقش زن به عنوان مادر

گردش چرخ اجتماعات بشری به عهده مادر است. مادر با انسانی سروکار دارد که اولین گام را به این دنیا گذاشته و علاوه بر خصوصیات جسمی، خصوصیات روحی و روانی و اخلاقی‌اش نیز در گرو تربیت اوست. اصالت و انسانیت انسان و ترقی و تکامل و یارکود و عقب ماندگی اجتماعات بشری، با شیوه و روش پرورش مادران آن اجتماع، رابطه مستقیم دارد. تمامی مراحل تربیتی و فرهنگی در جامعه، بعد از تربیت مادرانه معنا پیدا می‌کند و اولین قدم تربیت کودک، توسط مادر برداشته می‌شود و دیگر مراکز، در مراحل بعدی قرار دارند. از طرفی مسئولیت انسان‌سازی، مسئولیتی دامن‌دار است که دامنۀ آن به اندازه طول زندگی فرزندان و نحوه رفتار و منش و تأثیر به جای گذاشته در جامعه، کشیده خواهد شد و این رمز جاودانه بودن مادر است که امام خمینی علیه السلام فرمودند: از دامن زن، مرد به معراج می‌رود (دشتی، ۱۳۸۱، ص ۹۶-۹۷ و ۹۹). گرچه از دیدگاه فقه اسلامی، در مدت زندگی مشترک والدین، حضانت کودک بر عهده آن دو به صورت مشترک است (میرزای قمی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۲۹۳)، اما امام خمینی علیه السلام معتقدند که نقش و تأثیر زن، بالاتراز مرد است؛ زیرا بانوان علاوه بر اینکه خود یک قشر فعال در جامعه هستند،

دیگر اقشار فعال را تربیت می‌کنند و خدمت مادر به جامعه از خدمت همه کس بالاتر است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۱۹۷). در این مقال، برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن بررسی می‌شود.

الف) شیردهی

گرچه در احکام فقهی، شیر دادن مادر به فرزند، بدون اسباب و موجب، مستحب است (سیوری حلی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۲۳۱)، اما در روایات بی‌شماری، بهترین تغذیه کودک، شیر مادر عنوان شده است. امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مَا مِنْ لَبَنٍ يُرْضَعُ بِهِ الصَّبِيُّ أَغْظَمَ بَرَكَتَهُ عَلَيْهِ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۰). از نظر علمی نیز ملکات اخلاقی و چگونگی زندگی مادر، توسط شیر به کودک منتقل می‌شود و دانش نوین، کیفیت اخلاق و خصوصیات کودک را شدیداً وابسته به مادر می‌داند. یکی از دلایلی که قرآن کریم و روایات، حق مادر بر فرزند را بیشتر از حق پدر می‌دانند، شیر دادن مادر است. این عمل، تنها تغذیه نیست؛ بلکه تبادل عاطفی و تقویت روحی است (دهقان، ۱۳۸۶، ص ۲۶-۲۷ و ۲۹).

در این مسئله شکی نیست که احساسات، عقاید و افکار مادر، در سرشت کودک جای می‌گیرد و در اعمال و افکار او منعکس می‌شود. هرچه مادر در حالات روحی و معنوی خود دقت کند، به همان اندازه، تأثیر مثبت این توجه در طول زندگی فرزند با اوست. فرزندان دیندار و دانشمند در دامان مادران نیک سرشت و دانا پرورش یافته‌اند. از این رو در متون دینی، علاوه بر مهم شمردن بدن سالم، حالات روحی و جسمی مادر نیز اهمیت بسزایی دارد. مادر باید علاوه بر دقتی که در غذای خود از نظر مادی و ویتامین‌ها دارد، در حلیت آن نیز توجه لازم را داشته باشد تا شاکله کودک او بر حرام شکل نگیرد (ابن بابویه، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۵).

بنابراین، مادران مسلمان در راستای قدم برداشتن در مسیر سبک زندگی اسلامی باید با عمل به احکام فقه اسلامی و رعایت تقوا در بینش و منش خود در دوران

شیردهی، اولین گام در مسیر تربیت فرزند را در جهت تقویت روحیه معنوی او بردارند.

ب) تربیت

مادر وظیفه‌ای دارد که به حکم قانون اسلامی که در فطرت انسان ریشه دارد، شریف‌ترین و بااهمیت‌ترین وظایف است و آن تربیت است. وظیفه مادری، قابل واگذاری به غیر نیست و این مسئولیت را دولت و یا ارگان‌های دیگر نمی‌توانند انجام دهند. رمز مهر مادری و لذت مادر بودن، در وظیفه‌ای است که خلقت بر عهده مادر نهاده است.

لذت تشکیل خانواده و علاقه انسان‌ها به لذت خاص خانوادگی، ناشی از اتحاد دو روح است که در این نهاد ایجاد می‌شود و بنابر حکم نظام طبیعت، این اتحاد در جهت پرورش و تربیت فرزند شکل می‌گیرد و این غیر از علاقه جنسی است (یوسفیان، ۱۳۸۶، ص ۳۱)؛ لذا خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ (روم: ۲۱). براین اساس، قرآن هدف از تشکیل خانواده را مودت، رحمت، سکون و آرامش معرفی کرده که تشکیل دهنده محیطی امن برای تربیت نسل انسان است (مطهری، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۱۸۳).

در نظام اعتقادی اسلام، مهم‌ترین شیوه تربیتی فرزندان، شیوه‌ای است که آنان را هرچه بیشتر به سمت معنویات معرفی شده در دین سوق دهد و از آتش دوزخ دور کند. طبق آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ﴾ (التحریم: ۶) مؤمن باید خانواده خود را نیز در رعایت معنویات مراقبت کند و قدر متیقن از ﴿أَهْلِيكُمْ﴾، فرزندان هستند. آموزش مناسک و عبادات و حسن پرستش و مناجات با خداوند به فرزندان، بارزترین مصداق این شیوه تربیتی است. بنابر فرموده امام سجاد علیه السلام، والدین باید در راه عبادت خداوند به فرزندان کمک کنند. آموزش شیوه تفکر الهی که منش الهی را نیز در پی دارد و همچنین آموزش مناسک دینی و رفتار منطبق بر دین که دانش فقه تربیتی به دنبال آن است، از جمله مصداق این یاری است (اعرافی، ۱۳۹۵، ص ۶۰-۶۱).

پرواضح است که مادران در راستای پیاده سازی سبک زندگی اسلامی، باید ابتدا خود با این سبک آشنا باشند، سپس اقدام به شناساندن آن به فرزندان خود کنند. بنابراین، در مکتب الهی، تربیت فرزند همواره مایه رشد و ترقی خود مادر نیز می شود (مظلومی، ۱۳۸۸، ص ۴۵). اگر زنان ما از نظر رتبه معرفتی و بینش و معلومات، خود را ارتقا دهند، نقش آنها با هیچ نقش دیگر و با هیچ مؤثر دیگری از مؤثرات اجتماعی و فرهنگی قابل مقایسه نیست. آنکه بهشتی می شود، پایه بهشتی شدنش مادر است. مادر است که تمدن و ویژگی های یک تمدن را با جسم و روح خود و با خلق و خوی خود، دانسته یا ندانسته به فرزند منتقل می کند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۷۲).

در کنار مراقبت بر انجام اعمال فردی و آموزش تقوای بینشی و منشی به فرزندان، معرفی الگوی مناسب الهی و بزرگ جلوه دادن آن در نظر فرزند، و مراقبت دائمی بر رفتار و گفتار کودک در آموزش سبک زندگی اسلامی به او، کشف نسبی استعداد های فرزند، در کنار عشق ورزیدن به او و دعا و توسل، در زندگی به شیوه مرضی خداوند راهگشا خواهد بود.

۲ - ۳. نقش زن در رابطه با اجتماع

یکی از سرمایه های هر اجتماع، جمعیت آن است. نیمی از افراد جامعه را نیز زنان تشکیل می دهند. از این رو برای پیشرفت اجتماع لازم است زنان نیز به اندازه توانایی ها و وظایف خود در خانواده، وارد اجتماع شوند و به پیشبرد اهداف اجتماع اسلامی یاری رسانند. قرآن کریم در آیه ۳۳ سوره احزاب می فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ». اگرچه این آیه کریمه خطاب به زنان مکرم پیامبر اکرم ﷺ است، اما حکم شریعت اسلام در مورد وظیفه تمامی زنان در قبال خانواده را بیان می فرماید که رعایت و محافظت سلامت خانواده است؛ چراکه از نظر اسلام، اگر خانواده سالم بماند، اجتماع هم سالم خواهد ماند و اگر خانواده دچار فساد شود، جامعه به فساد کشیده خواهد شد. از این رو مسئولیت اول زنان را اداره، صیانت و محافظت از کیان خانواده بیان می کند. البته این به معنای

عدم جواز حضور زنان در اجتماع نخواهد بود؛ بلکه به این معناست که اولویت اول زنان، حضور در محیط خانه است تا به راحتی وظایف خود در قبال اعضای خانواده را تامین کنند و از این راه، نشاط جسمی، روحی و معنوی خود را نیز تامین نمایند (جمعی از مؤلفان، بی تا، ج ۳۶، ص ۶۱).

با نگاهی گذرا به احکام مطرح شده برای بانوان نیز می توان این دیدگاه را تأیید کرد. احکامی مانند دادن ثواب نماز در مسجد، به زنی که در خانه خود نماز می گذارد (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۷۴) و یا دادن ثواب جهاد فی سبیل الله به زنان با حسن تبعل و خوب همسررداری کردن که با حضور او در خانه معنا می یابد و یا احکامی مانند جواز یا عدم جواز واگذاری منصب قضا به زنان که مورد بحث فقها واقع شده است و در این بین، برخی فقیهان بزرگ، همچون شیخ طوسی و صاحب جواهر، حکم به عدم جواز کرده اند (جمعی از مؤلفان، بی تا، ج ۳۶، ص ۶۱). این نکته حائز اهمیت است که نوشتار حاضر، به دنبال بیان نظرات مختلف در این زمینه نیست، اما دلایل قائلین بر عدم جواز نیز می تواند مؤیدی بر اولویت داشتن انجام وظایف در خانواده بر اجتماع باشد. شیخ طوسی در این باره معتقد است که «باتوجه به اینکه قضاوت منصب شرعی است، برای اثبات کسی که صلاحیت آن را دارد نیز باید دلیل داشته باشیم و دلیلی بر صلاحیت زنان بر قضاوت موجود نیست». ایشان در بیان یکی از حکمت آن، به حدیثی از نبی اکرم ﷺ اشاره می کند که منصب قضاوت، باعث شنیده شدن صدای زن توسط مردان می شود (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۱۳). صاحب جواهر، صرف وجود شک در عدم صلاحیت قضاوت برای زنان را در این مورد کافی می داند تا جوازی برای سپردن این منصب به زنان وجود نداشته باشد و در جست و جوی حکمت این ممنوعیت چنین می فرماید: «این منصب به دست نمی آید مگر اینکه زنان به مجالست با مردان پردازند و یا صدای خود را در بین مردان بلند کنند» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۰، ص ۱۴). به عبارتی، صاحب جواهر با این بیان، بر ممدوح بودن حضور بیشتر زن در خانه نسبت به حضور او در اجتماع صحه می گذارد.

اگر حقوق زن در همه کارهای اجتماعی و مشاغل، مشابه مردان در نظر گرفته شود و بدون توجه به توانایی‌های جسمی و روحی ویژه او، انتظار رود تا همانند مرد در جامعه حضور داشته باشد، این مسئله، لگدکوب کردن روح لطیف و ظرافت جسمی زنانه است. شکی نیست که قرن حاضر، بسیاری از تضييع حقوق زنان را کاهش داده، اما حقوقی دیگر را از او سلب کرده است. قرون گذشته، انسان بودن زن را نادیده می‌گرفتند و در قرن حاضر، موقعیت طبیعی و فطری، رسالت، تقاضاهای غریزی و استعدادهای ویژه‌اش و به‌طورکلی زن بودن زن به فراموشی سپرده شده است؛ درحالی‌که در نظر اسلام، توجه نکردن به فطرت و طبیعت زن است که موجب پایمال شدن حقوق اوست. در ایدئولوژی اسلامی، زن و مرد همانند دو ستاره‌اند که هرکدام باید در مدار خود حرکت کنند. تساوی حقوق، زمانی سودمند است که هیچ‌کدام از مدار فطری خود خارج نشوند. از نظر فقه شیعی، حقوق، دائرمدار عدل هستند و پایه حقوق فطری و طبیعی، عدالت است (مطهری، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۱۳۲-۱۳۹). بنا بر آیه «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» (بقره: ۲۲۸)، در فقه مسلمانان، حقوق اجتماعی زنان و مردان، با در نظر گرفتن اشتراک و تساوی این دو قشر در انسانیت، به صورت تناسبی و نه تشابه معرفی می‌شود که تمام ابعاد شخصیتی، جسمی و روحی زن را در نظر داشته و به دنبال تعالی انسان است. در این میان، گرچه زنان و مردان در ساختار بدنی و روحی خود باهم تفاوت دارند، اما این مسئله باعث ظلم به یکی از این دو نشده است؛ زیرا بر اساس عدالت، هرکدام حقی متناسب با آفرینش خود خواهند داشت (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۷۵).

بنابراین، اسلام حضور زن در جامعه و نحوه ارتباط او با مردان را منوط به موازینی می‌داند که لازمه فعالیت زن و حضور او در اجتماع و پایبندی به این موازین است (منصوری لاریجانی، ۱۳۷۶، ص ۲۲)؛ موازینی همچون حفظ حیا و حجاب، عفت و پاکدامنی و... که در احکام شرعی اسلامی بیان شده است.

پوشش و حجاب زن در اجتماع، همان‌طور که اشاره شد، به دلیل آثار قابل توجهی

که به همراه دارد، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تقوا به شمار می‌رود. از جمله اینکه سبب عفت و پاکدامنی او می‌شود و هم از آلوده شدن خود زن به فساد و ابتذال جلوگیری می‌کند و هم مانع گسترش فساد در جامعه می‌گردد. زنی که با پرهیزکاری خود، به حفظ حجاب و عفت همت می‌گمارد، شخصیت الهی خود را حفظ می‌کند و خود را وسیلهٔ هوس‌رانی مردان قرار نمی‌دهد و ارزش خود را تا حد یک کالای ابزاری و دکوری پایین نمی‌آورد (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۲۷، ص ۲۱۴). خداوند متعال در مقام بیان این شرایط، حضرت مریم علیها السلام را به عنوان الگویی برای زنان باایمان معرفی می‌کند و خصوصیات این بانوی بزرگ را چنین برمی‌شمرد: «وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا» (تحریم: ۱۲).

از نظر اسلام، زن این حق را دارد که به عنوان یک نیروی تأثیرگذار در اجتماع ظاهر شود و این تأثیرگذاری مطلوب است تا زمانی که نهاد خانواده، به عنوان عنصر اصلی اجتماع، مختل نشود؛ یعنی تلاش زنان در اجتماع باید به گونه‌ای باشد که استحکام بنای خانواده را تحت تأثیر قرار ندهد (خامنه‌ای، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۲). از این رو لازم است تا زنان مسلمان با توجه به عنصر مهم تقوا در بینش و منش و با رعایت موازین مطرح شده در شرع، در اجتماع حضور یابند و به ایفای نقش پردازند تا به روند پیشرفت جامعه خود سرعت ببخشند و زمینه لازم برای ایجاد تمدن نوین اسلامی را فراهم سازند. با این وجود، در این مسیر لازم است توجه ویژه خود را به عنصر ابتدایی اجتماع، یعنی خانواده، معطوف کنند تا بدون کوچک‌ترین آسیب به این هستهٔ اولیه و مهم اجتماعات بشری بتوانند سلامت جامعه را نیز تضمین کنند.

نتیجه‌گیری

فقه شیعی در بیان سبک زندگی اسلامی مد نظر بیانیهٔ گام دوم انقلاب، تنها به حوزهٔ رفتار بسنده نکرده است و حوزهٔ بینشی و گرایشی مکلفین را هم تعیین می‌کند تا جایی که اعتقاد داشتن به مسائلی همچون توحید، نبوت، امامت و معاد را واجب می‌داند. انسان باورمند به چنین حقیقتی، در تمامی اعمال و رفتار خود، هدف را فراموش

نمی‌کند و به‌گونه‌ای عمل می‌کند که تامین‌کنندهٔ سعادت او باشد و در حالت تزاخم بین خواسته‌های جسم و سعادت روحانی، جانب روح را مقدم می‌کند. زنان نیز از این قاعده مستثنا نیستند. زنی که معتقد به معاد باشد و زندگی فانی دنیایی، هدف غایی او نیست، در پذیرش مسئولیت‌ها و وظایف محول‌شده به او، با کمال فروتنی برخورد می‌کند؛ چراکه خود را در پیشگاه پروردگار حاضر می‌بیند و این تواضع را در مقابل او می‌داند نه در مقابل انسان دیگر.

در بینش فقهی، چنین زنی باید در راستای نیل به رضایت خداوند و با کمک فرمان عقل خویش، به حکم الهی که علم فقه کاشف از آن است، عمل کند و بر خواسته‌های غیرالهی خود فائق آید. بر همین اساس، راه سعادت را طی کند و از این طریق، کرامت مد نظر قرآن کریم را کسب نماید و در حوزهٔ فردی خویش، خداوند را همیشه شاهد و ناظر ببیند و در بینش و منش خود تقوا را لحاظ کند.

ایدئولوژی فقه شیعی، وظایف زن مسلمان را در حوزه‌های خانوادگی و اجتماعی نیز معین کرده است. در حوزهٔ خانواده و در قبال همسر بیان می‌دارد که باتوجه به اینکه در نظام خانواده، علاوه بر وظایف مشترک میان همسران، وظایفی چون حسن خلق، توجه به حفظ اسرار و اموال مرد در حضور و غیاب او، حفظ جایگاه پدر در خانواده و تمکین خاص و آراستگی ظاهری و پذیرش قیمومت مرد، به عهده زنان گذاشته شده که از یک سو متناسب با ساختار جسمی و روحی زنان بوده و از عهده مردان خارج است و از سوی دیگر، رعایت این حقوق، به تحکیم روابط میان اعضای خانواده منجر می‌شود، زنان مسلمان باید با انجام این مسئولیت‌ها، محیطی امن و توأم با آرامش مهیا کنند تا هم از دیگر حقوق خویش به طور کامل بهره‌مند گردند و هم زمینهٔ سعادت و کمال خود و سایر اعضای خانواده را ایجاد کنند.

در قبال فرزندان نیز باید در مرحلهٔ اول، با شیردهی کامل و حفظ حلیت غذای مصرفی و همچنین رعایت تقوا در منش و بینش خود، روح تقوا و حرکت به سمت

خداوند را در فرزندان نهادینه سازند و در مراحل بعد، با آموزش مسائل اعتقادی، احکام و مناسک اسلامی و همچنین معرفی الگویی درست، تربیت دینی را به صورت صحیح انجام دهند.

در حوزه اجتماع نیز باید در وهله اول با رعایت عفت و تقوا، جامعه را از ویژگی پاکدامنی خود برخوردار سازند. سپس با توجه به متناسب بودن حقوق زن و مرد، با نیروی لطافت، ظرافت و زیبایی خود، به انجام مسائلی بپردازند که دیگری از انجام آن ناتوان است و با توجه ویژه و خاص خود به خانواده، این عنصر مهم را از هر آسیب و گزند حفظ کنند. بدین ترتیب، مسیر پرفرازونشیب ساخت تمدن نوین اسلامی را پایه ریزی کنند. آنها در این مسیر می‌توانند زنان اسوه در تاریخ را الگوی راه قرار دهند و همواره در این مسیر قدم بردارند. در این میان، می‌توان به زنانی همچون حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، به عنوان نمونه بارز یک انسان کامل و نیز زنان مطرح شده در قرآن کریم و روایات، از جمله حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت مریم علیها السلام و بانو آسیه، همسر فرعون و دختران حضرت شعیب علیهم السلام و مادر حضرت مریم علیها السلام اشاره کرد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۷ش)، خصال: ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران: کتابچی.
۲. _____ (۱۳۹۸ش)، توحید، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. _____ (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. ابن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴ق)، المحيط فی اللغة، تحقیق و تصحیح: محمد حسن آل یاسین، چاپ اول، بیروت: عالم الکتاب.
۵. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۵ش)، تربیت فرزند بارویکرد فقهی، چاپ دوم، قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
۶. _____ (بی تا)، درآمدی بر اجتهاد تمدن ساز، قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
۷. امینی، ابراهیم (۱۳۶۹ش)، «بانوی نمونه اسلام فاطمه زهرا (علیها السلام)»، پایگاه اطلاع رسانی آیت الله امینی، <https://www.ibrahimamini.com>
۸. _____ (۱۳۸۹ش)، همسرداری، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۹. انصاری، مرتضی (بی تا)، فرائد الاصول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۰. بنیاد فرهنگ و اندیشه اسلامی (۱۳۹۸ش)، فصول هدایتگری، بی جا: دفتر نشر معارف.
۱۱. بهبهانی، سید علی (۱۴۰۵ق)، الفوائد العلیه - القواعد الکیلیه، چاپ دوم، اهواز: کتابخانه دار العلم.
۱۲. تبریزی جعفری، محمد تقی (۱۴۱۹ش)، رسائل فقهی، چاپ اول، تهران: مؤسسه منشورات کرامت.
۱۳. توکلی، سیمین (۱۳۹۷)، «زن در ادیان ابراهیمی (اسلام، یهودیت، مسیحیت)»، پرتال امام خمینی (ره)، <http://www.imam-khomeini.ir>.

۱۴. توکلی، غلامحسین و آبداری، ربابه؛ (بی تا)، «آسیب شناسی نقش و جایگاه زنان و سبک زندگی زمینه ساز»، پایگاه مجلات تخصصی نور، <https://www.noormagz.ir>
۱۵. جلیلی جشن آبادی، صغری؛ (بی تا)، «بررسی سبک زندگی زمینه ساز ظهور با تاکید بر نهاد خانواده»، پایگاه مجلات تخصصی نور، <https://www.noormagz.ir>
۱۶. جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۶ق)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
۱۷. جمعی از مؤلفان (بی تا)، مجله فقه اهل البیت علیهم السلام، چاپ اول، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
۱۸. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۵ش)، حقوق و مسئولیت های زن در نظام اسلامی، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸ش)، زن در آیینه جمال و جلال الهی، قم: دار الهدی.
۲۰. حسن زاده، صالح (۱۳۹۲ش)، پژوهشنامه معارف قرآنی عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲.
۲۱. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسایل الشیعه، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۲۲. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۳۸۸ش)، تذکره الفقها (طبع قدیمه)، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۲۳. _____ (۱۴۲۰ق)، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة (طبع الحدیثه)، چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۲۴. حیدری، زهرا و حیدری، زینب (۱۳۹۹ش)، «بررسی دلایل ضرورت ابلاغ بیانیه گام دوم انقلاب از دیدگاه مقام معظم رهبری»، فصلنامه علمی پژوهش های انقلاب اسلامی.
۲۵. خامنه ای، سید علی (۱۳۸۵ش)، زن و خانواده، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۲۶. _____ (۱۴۲۲)، استفتائات، ج ۳، پنجم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم، قم.
۲۷. _____ (۱۴۲۴)، رساله محشی، ج ۱، هشتم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم.

۲۸. خرم آبادی، یدالله و پوروهابی، زهره؛ (بی تا)، «نقش و جایگاه اجتماعی زنان و سبک زندگی زمینه ساز»، پایگاه مجلات تخصصی نور، <https://www.noormagz.ir>
۲۹. داورپناه، ابوالفضل (۱۳۷۵ش)، انوار العرفان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات صدرا.
۳۰. دشتی، محمد (۱۳۸۱ش)، مسئولیت تربیت؛ بررسی نقش زنان و مادران در تکامل کودک، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.
۳۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، لغت نامه؛ تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۳۲. دهقان، اکبر (۱۳۸۶ش)، صدوچهارده نکته از قرآن کریم و احادیث پیرامون تربیت فرزند، قم: حرم.
۳۳. زرهانی، سیداحمد (۱۳۹۳ش)، «سبک زندگی»، پایگاه مجلات تخصصی نور، <https://www.noormags.ir>
۳۴. سلیمیان، خدامراد (۱۳۷۹ش)، «زن در گذر تاریخ»، پایگاه مجلات تخصصی نور، <https://www.noormags.ir>
۳۵. سیوری حلی، مقدادبن عبدالله (۱۴۲۵ق)، کنز العرفان فی فقه القرآن، چاپ اول، قم: انتشارات مرتضوی.
۳۶. شهابی، محمود (۱۴۱۷ق)، ادوار فقه، تهران: وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی.
۳۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۸. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران: مرتضوی.
۳۹. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۴۰۷ق)، الخلاف، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۰. عثان پور خیر آبادی، مجید؛ (۱۳۹۵ش)، «ویژگی ها و مصادیق سبک زندگی زنان در قرآن کریم»، پایگاه دانشنامه پژوه، <https://www.pajoohe.ir>
۴۱. فاضل قانع، حمید (۱۳۹۲ش)، سبک زندگی بر اساس آموزه های اسلامی (بارویکرد رسانه ای)، قم: نشر دین و رسانه.

۴۲. _____ (۱۴۰۱ش)، «سبک زندگی اسلامی؛ ضرورت‌ها و راهبردها»، وبگاه فصلنامه علمی تخصصی محفل، هشتم، ۱۴۰۱،
<https://pajooresh.howzeteheran.com/Files/mahfel.php?idVeiv=4297&level=4&subid=4297>
۴۳. فضل‌الله، سیدمحمدحسین (۱۳۸۳ش)، اسلام، زن و جستارهای تازه، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴۴. قمی، محمدبن‌علی بن بابویه (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، الکافی (ط - الإسلامية)، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۴۶. _____ (۱۴۰۹)، غفاری، علی اکبر و محمد جواد و صدر بلاغی، ج ۳، اول، نشر صدوق، تهران.
۴۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۸. محقق داماد یزدی، سیدمصطفی (۱۴۰۶)، قواعد فقهی، چاپ دوازدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۴۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲ش)، اولویت‌های تحقق سبک زندگی اسلامی، تهران: معرفت.
۵۰. مطهری، مرتضی (بی تا)، مجموعه آثار، چاپ اول، قم: انتشارات صدرا.
۵۱. مظلومی، رجبعلی (۱۳۸۸ش)، تربیت معنایی انسان؛ تربیت از دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام، چاپ ششم، بی جا: انجمن اولیا و مربیان.
۵۲. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱ق)، الفقه علی المذاهب الخمسه، چاپ دهم، بیروت: دار التیاریت جدید - دار الجواد.
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق)، دائره المعارف فقه مقارن، چاپ اول، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه‌السلام.
۵۴. ممیز، غدیرعلی (۱۳۸۴ش)، پیمان مهربانی در پیوند زناشویی، قم: انتشارات دهاقانی.

۵۵. منتظری نجف آبادی، حسینعلی (۱۴۰۹ق)، *دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه*، چاپ دوم، قم: نشر تفکر.
۵۶. _____ (۱۴۲۷ق)، *معارف و احکام بانوان*، چاپ دوم، قم: انتشارات مبارک.
۵۷. منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۷۶ش)، *زن و دفاع در اسلام*، تهران: کنگره بررسی نقش زنان در دفاع و امنیت.
۵۸. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸ش)، *صحیفه نور*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۵۹. _____ (۱۴۲۲ق)، *استفتائات*، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶۰. _____ (۱۴۲۴ق)، *توضیح المسائل (محشی - امام خمینی علیه السلام)*، چاپ هشتم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶۱. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن (۱۴۱۳ق)، *جامع الشتات فی اجوبه السؤالات*، چاپ اول، تهران: مؤسسه کیهان.
۶۲. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۳. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۲۲ق)، *رسائل و مسائل*، چاپ اول، قم: کنگره نراقیین ملامهدی و ملااحمد.
۶۴. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۶۵. وطن دوست حقیقی مرند، محمد علی (۲۰۱۸م)، «تحلیل فلسفی ارتباط میان بینش، گرایش و منش و راهکارهای تربیتی دستیابی به رفتار سالم»، تهران: پنجمین کنفرانس بین المللی روان شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی.
۶۶. یوسفیان، نعمت الله (۱۳۸۶ش)، *تربیت دینی فرزندان*، تهران: زمزم هدایت.



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پرتال جامع علوم انساني

دو فصلنامه علمی تخصصی

مطالعات تطبیقی فقه

زن و خانواده

سال سوم، شماره پنجم
پاییز و زمستان ۱۴۰۲

چکیده‌ها



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی